[29] گريسته وكفن مادرشان را با اشكهای ريزانشان خيس نمودند. بهر حال قبري را برای همسرش زهرا آماده ساخت كه مكانش مجهول است، وتا روز ظهور فرزندش مهدی (عليه السلام) همچنان مخفی خواهد ماند، وزهرا را در آن قبر نهاد، وآن مجموعه مواهب وفضائل الهی را دفن نمود، وگفت: أي زمين امانت خود را بتو سپردم، اين دخت رسول خداست، أي فاطمه ترا به كسی تسليم كردم كه از من بتو سزاوارتر وشايسته تر است، و راضی شدم برای تو آنچه را كه خدای تعالی برای تو راضی شد. أمير المؤمنين (عليه السلام) در اين لحظه سخت ترين لحظات زندگيش را می گذراند، چرا كه عزيزترين كس خود را در ابتدای عمر وشكوفائی زندگانيش از دست داده بود، در اين لحظه بود كه غمها واندوهها به شدت به آن حضرت روی آورد وهنگاميكه دست خود را تكان داد تا خاكهای قبر را از دست بيفشاند قطرات اشك بر چهره اش جاری گرديد وچنين ناله سر داد: السلام عليك يا رسول ا عني، السلام عليك عن ابنتك وزائرتك والبائتة في الثرى ببقعتك، والمختار ا لها سرعة اللحاق بك، قل يا رسول ا عن صفيتك صبری، وعفا عن سيدة نساء العالمين تجلدي.... بلى وفي كتاب ا لي انعم القبول، انا وانا إليه راجعون، قد استرجعت الوديعة واخذت الرهينة واختلست الزهراء، فما اقبح الخضراء والغبراء. _____